

خوشبینی

حسن الظن راحة القلب وسلامة الدين

خوشبینی سبب آسودگی دل و سلامتی دین است .

« علی علیه السلام »

اطمینان و آسایش خاطر

نتایج و ثمرات خوشبینی

اسلام اصل خوشبینی را گسترش میدهد

بشر در صحنهٔ پرغوغای حیات بیش از هر چیز « با آسایش خاطر » نیازمند است ، در میدان نبرد زندگی ، کسیکه بدون این سلاح مشغول پیکار باشد ؛ مبارزه اش منتهی بشکست خواهد گردید ؛ هر قدر بار زندگی سنگین تر باشد این نیازمندی هم بهمان نسبت بیشتر خواهد بود . باید دید چگونه میتوان از اسارت هیجانات و آشفتگی ها نجات یافت و در آغوش آسایش جای گرفت . جستجوی ثروت ، قدرت ، شهرت و اوضاع و حالات مادی برای بچنگ آوردن آسایش بیهوده است ، و کلیه مساعی شخص در این راهها بهدر خواهد رفت ؛ زیرا سرچشمه آسایش در نهاد خود انسان جریان دارد ، همچنانکه منبع بدبختیها نیز همان دنیای درونی است . آنچنانکه میتوان از ذخائر گرانبهای نیروهای باطنی برای این منظور استفاده کرد ، در مقتضیات خارجی پیدا نمیشود ، چه تمام منابع رفاهیت خارجی وهمهٔ وسائل و تشبثاتی که در این راه بکار برده میشود ، موقتی و زودگذر است و محال است انسان را با آسایش کامل برسانند ؛ تنها ثروت اندیشه و خصائص اخلاقی است که زوال نمی پذیرد ، و انسان را از توسل بامورناپایدار کاملاً بی نیاز میکند بگفته یکی از دانشمندان غربی : « کسیکه در باطن خود آسایش ندارد بیهوده آنرا از خارج جستجو میکند ، ! »

باید گفت که حل بسیاری از معمای شکست انگیز طبیعت و افزایش و تکمیل تجهیزات زندگی عصر کنونی، برای فراهم آوردن یک زندگی خالی از تشویش کافی نیست، و نه تنها توانسته است از تألمات ورنجهای زندگی بکاهد بلکه نگرانیها و تشویشهای تازه ای را با خود بارمغان آورده است، بنابراین برای بیگانه شدن با ناکامیها ورنجهای مداوم زندگی و در عقب زدن ابرهای تیره ای که روح ما را در بر میگیرند، با فکار روشن نیاز مبرم داریم؛ فکر که بزرگترین نیروی فعال دنیای ما است همچنانکه بشر را بردنیای مادی مسلط کرده و تغییرشگرفی در همه شئون حیاتی پدید آورده است؛ میتواند آسایش وی را نیز تأمین کند و از همین جا نقش اساسی فکر و اثرشگرف آن در زندگی بشر روشن و آشکار میگردد.

یک مغز درخشان منبع فیض بخشی است، که انسان را بیالاتر از نیاز مندیهای مادی ترقی داده، و او را با عالم دیگری آشنا میسازد و افکار عمیق و عالی مانع آن است که شخص فهم دستخوش آشفته گی گردد، آنکه قوای فکریش نافذ و قوی تربیت شده و مرکز ثقل در وجودش قرار دارد، در آستانه حوادث تلخ و ناگوار، بجای اتخاذ رویه منفی، یک حالت فکری مثبت بخود میگیرد، و همچون صخره تزلزل ناپذیر خواهد ماند.

نتایج و ثمرات خوشبینی

همانطور که آسایش جسمانی از انواع بیماریها مختل میگردد، آسایش فکری نیز در اثر عوامل گوناگون و عادات و صفات مذمومی اختلال پیدا میکند؛ زیرا «فکر» با آنهمه نیرومندی برای رشد خود از کمک «اخلاق» بی نیاز نخواهد بود، و هنگامی انسان طعم خوشبختی میچشد، که بموهبت اخلاق آراسته شود و فعالیتهای فکری و اخلاقی بایکدیگر هماهنگ گردد؛ پس میبایست بنیروی اراده صفات جانگاہ که چون ابری تیره افق زندگی را تاریک میسازد، از وجود خویش ریشه کن نمود، و بجای آن عوامل مولد آرامش جایگزین ساخت.

یکی از عواملی که با آسایش فکری کمک میکند حس «خوشبینی» و اعتماد ب مردم است، برای کسیکه در میدان زندگی قرارداد خوشبینی بکنوع تضمین و اطمینان است. برخلاف بدبینی که فعالیت فکری را متوقف و از تظاهر کمال قدرت آن میکاهد؛ خوشبینی همچون برقی است که در ظلمات حیات میدرخشد، در پرتو آن افق فکر وسعت یافته، و علاقه به نیکی در مغز آدمی رشد میکند، و بدینوسیله در طرز جهان بینی شخص پیشرفتی حاصل میگردد. دنیا در جلوه گاه چشم خوش بین رنگ دلپذیرتری دارد، همه چیز و همه کس را در روشنائی نگرسته و قضاوت میکند، غمها ورنجهها کم رنگ و امید و آرزوها پرشعله اند؛ و تحت تأثیر همین صنعت همواره روابط

ظاهری و معنوی و عاطفی خویش را با افراد اجتماع حفظ مینماید .

هیچ چیز نمیتواند با اندازه خوشبینی از رنج انبوه مشکلات زندگی بکاهد و راه را برای موفقیت هموار سازد ، کسیکه از این مزیت اخلاقی برخوردار است نه تنها هنگام رضایت فروغ مسرت بر چهره اش سایه میانندازد ؛ بلکه علیرغم عوامل منفی و دشواریها ، روحیه خویش را با آنها تطبیق و مشکلات را با رأی صائب و نیروی امید ، باسانی میگشاید ؛ و همواره از کانون روحش جرقه های اطمینان و نشاط جستن میکند .

احتیاج بچلب اعتماد اشخاص مختلف در زندگی ضروری است ؛ برای پیدایش اعتماد باید اصل خوشبینی در معاشرت ها و برنامه زندگی افراد دخالت داشته باشد ، و این حقیقتی است که بطور مستقیم در سعادت فرد و جامعه اثر دارد ؛ اعتماد و عدم اعتماد یکی از عوامل رشد یا شکست اجتماع است ؛ هر قدر تماس های مردم با یکدیگر عمیقتر باشد پیشرفت اجتماع بیشتر خواهد بود ؛ گسترش روح اطمینان و همکاری و الفت میان مردم نخستین ثمر اجتماعی خوشبینی است ؛ برخورداری از یک زندگی مسالمت آمیز که بر اساس ارتباط عمیق قلبی استوار باشد از این راه امکان پذیر خواهد شد ؛ برعکس در محیطی که حسن ظن وجود ندارد و افراد با یکدیگر با نظر شکست و تردید مینگرند اصول همکاری رعایت نمیشود ؛ بلکه در جزئیات امور برای هم اشکال تراشی نموده ، و تراحم ایجاد میکند ؛ قهر آنجین اجتماعی صورت ظاهری سطحی بخود گرفته ، و فاقد آثار و نتایج سود بخش خواهد گردید . دانشمندی میگوید : « خوشبینی شکل ظاهری ایمان است تا ایمان و امید وجود نداشته باشد هیچ کاری نمیتوان انجام داد . » !

اعتماد شخص بدیگران هر قدر بیشتر باشد ، اعتماد متقابل دیگران نسبت بوی بیشتر است ؛ و این یک نحوه عکس العملی است که خواه و ناخواه در زندگی پیش میآید ؛ اما نباید فراموش کرد که بین خوشبینی و خوش باوری تفاوت بسیار است ؛ چه خوشبینی این نیست که انسان یکباره تسلیم افراد ناشناخته شده ، و بدون آنکه در مقام کنجکاو و آزمایش برآید بگفته دیگران ترتیب اثر دهد ؛ بعلاوه نبایستی درباره کسانی که ناپاکی و آلودگی آنها هویدا است تعمیم داد ، و خلاصه یک اصل استئنا نپذیر نیست که در هر شرائط و موقعیتی و نسبت به همه کس قابل انطباق باشد ؛ خوش بین در عین حال که ب مردم حسن ظن دارد و اعمال آنها را بصورت صحیحی تفسیر میکند ، حزم و مآل اندیشی خود را از دست نداده ، و همواره رفتارش آمیخته با احتیاط و عملش توأم با دقت است .

اسلام اصل خوشبینی را گسترش میدهد

اسلام با ایجاد نیروی ایمان در قلوب پیروان خود اصل خوشبینی و اعتماد را در میان آنها

گسترش داده ، و مسیر اجتماع را بمحیط مطلوبی که مملو از اطمینان و آرامش است : سوق میدهد . رسول اکرم (ص) باندازه ای باین صفت برجسته آراسته بود ، که حتی منافقین میخواستند حضرتش را بخوش باوری و سادگی متهم سازند ، و این خصلت ممتاز را بصورت زنده و نامطلوبی منعکس کنند .

مسلمانان موظفند نسبت بیکدیگر حسن ظن داشته و خوشبین باشند ، و عملاً یکدیگر را بوجه صحیح و مشروعی تفسیر نمایند ؛ هیچکس مجاز نیست بدون در دست داشتن يك گواه قطعی و روشن ، کردار مسلمانان را مغرضانه تلقی کرده و جمع برفساد کند علی علیه السلام میفرماید : کردار برادر ایمانی خود را به بهترین وجهی توجیه کنید (۱) .

امام صادق (ع) فرمود : **«من حق المؤمن علی المؤمن .. وان لا یکنذبہ»** - یکی از حقوق مسلمان بر برادر ایمانیش آن است که او را در گفتارش تصدیق نموده و بشکذیب برنخیزد . (۲) خوش بینی از خصائص افراد منزّه و درستکار است زیرا اشخاص ناپاک همه کس را بادیده ناپاکی مینگردند ، و انعکاس رذائل خود را در دیگران می بینند . علی علیه السلام با عبارتی کوتاه این حقیقت دلنشین را گوشزد میفرماید : **«الشیریر لایظن باحد خیر الا نزه لیراه الا بطبع نفسه»** - شخص پلید و بد طبیعت بهیچ کس حسن ظن نمیبرد زیرا انسان هر کس را مانند نفس خود می بیند . (۳)

مهمترین نیروئی که سبب پیدایش خوشبینی میشود ؛ ایمان است اگر مردم دارای ایمان کامل باشند قهراً بیکدیگر اعتماد میکنند ، در دجا نفرسای بی ایمانی است که حسن ظن را از افراد سلب و بجای آن سوء ظن و بدگمانی را جایگزین میسازد . يك مسلمان واقعی و خوش بین دلش لبریز از ایمان و اعتماد بآفریدگار است ؛ در لحظاتی که احساس ناتوانی میکند بقدرت بالاتر و عالیتر از قدرت خویش اتکا میکند ، در دشواریها از خداوندی که منبع بزرگترین نیروهاست ، یاری میطلبد ، و همین موضوع در تهذیب روح و اخلاق وی اثر عمیقی میبخشد .

(۱) جامع السعادات ج ۳ ص ۲۸ .

(۲) غرر الحکم ج ۱ ص ۸۰ .

(۳) اصول کافی ص ۳۹۴